

یادداشت

#به نام ایران: همبستگی ملی، دفاع میهنی

اولین ویدئوهای کوتاه به ترتیب توسط محمد درویش (فعال محیط زیست)، رضا میرکریمی (کارگردان سینما)، محمدجواد ظریف، مجید حسین‌نژاد (بنیان‌گذار علی بابا و مالک جاباما)، مرجان یشایایی (هم‌بنیان‌گذار جامعه‌فارغ‌التحصیلان یهودی ایران)، محمدرضا جلاتی‌پور، میلاد گودرزی (فعال سیاسی عدالت‌خواه) و رضا امیرخانی منتشر شد. در میان سایر حامیانی که با ارسال و انتشار ویدئو به این کمپین فراگیر همبستگی ملی پیوستند این نام‌ها هم دیده می‌شود:

محمد درویش فعال محیط‌زیستی، رضا میرکریمی کارگردان سینما، ناصر مهدوی پژوهشگر فلسفه و دین، مهدی فیروزان فعال فرهنگی، محمدجواد ظریف، مجید حسینی‌نژاد بنیان‌گذار علی بابا و مالک جاباما، مرجان یشایائی روزنامه‌نگار و بنیان‌گذار جامعه‌فارغ‌التحصیلان کلیمیان ایران، محمدرضا جلاتی‌پور فعال سیاسی، میلاد گودرزی بنیان‌گذار اندیشکده حکمرانی مشارکتی، کیومرث‌اشترین‌آباد سیاست‌گذاری دانشگاه تهران، علی آردم فعال مدنی- سیاسی، حسین میرزایی جامعه‌شناس، پیام افشاردوست پژوهشگر، حسین جلاتی روزنامه‌نگار، محمد ستاری فر اقتصاددان و استاد دانشگاه، عماد بهاور عضو نهضت آزادی عماد بهاور، رضا امیرخانی نویسنده، حسین اسلامی فعال اکوسیستم نوآوری /مدیرعامل رمیس، رحمت‌الله حافظی عضو سابق شورای شهر تهران و پزشک، جبرائیل نوکنده استان شناس و مدیر موزه ملی ایران، وحید تاج خواننده و هنرمند، سرگه بارسقیان روزنامه‌نگار و پژوهشگر تاریخ سیاسی، حمیدرضا جلاتی‌پور جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، احمد شیرزاد نماینده مجلس ششم و استاد دانشگاه، سید علی‌رضا بهشتی شیرازی مدیر نشر روزنه، محمد نعیمی‌پور نماینده مجلس شورای اسلامی، مولوی یونس تنهگی رئیس شورای شهر ششم، زرارآباد سیستان و بلوچستان، زهرا قاسمی جامعه‌شناس، نرگس آبیار کارگردان سینما، ناهید غفوری مسئول بخش سفال موزه ملی ایران، زهرا علی‌نژاد مسئول بخش تاریخی موزه ملی ایران، عماد قاننی عضو هیئت‌مدیره شرکت مشاوره مدیریت ایلیا و شرکت دیجی کالا، فرزین فردیس عضو هیئت‌مدیره شرکت سرآوا، مقداد ولایی هم‌بنیان‌گذار جاب‌ویژن، مه‌ران ولی‌اللهی مرمت‌گر موزه ملی ایران، محمد بهشتی عضو شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری، اسحاق جهانگیری سیاست‌مدار، مریم رحمانیان عالی خبری، آسیه خاتمی بنیان‌گذار و مدیرعامل مجموعه ایران‌تلنت، مجتبی محمودی مدیرعامل ماهنامه پیوست، نصیر حیدریان رهبر ارکستر و استاد موسیقی دانشگاه اتریش، عارف طحان مؤسس برند گردشگری برادران ایرانگرد، سرباز حفاظت از صنایع دفاع، محمد دین‌دشتی فعال فرهنگی بلوچ، غلام‌رضا پکتاش نویسنده کودک، ایمان عالمی سرپرست باشگاه استقلال، عبدالرضا انصاری بازیگر، سعید کلدی مترجم و مدرس ادبیات، علی‌رضا کوشکی فوتبالیست، امید جهان خواننده، مرتضی میری رئیس کمپسین فرش، هنر و صنایع دستی اتاق بازرگانی ایران، عاشق احمدملکی قویوز نواز، خواننده و سرپرست گروه عاشیق‌لار میشو، یحیی کوهی دانشجوی خارج کشور، استانبول، ترکیه، پرویز کدخدایی فعال رسانه‌ای سیستان و بلوچستان، مهدی شیرزاد فعال سیاسی، پیروز حناچی شهردار سابق تهران، زهرا داوودنژاد بازیگر، محمد عطریانفر فعال سیاسی، عبدالعلی رضایی جامعه‌شناس، اصغر پورمحمدی مدیر سابق شبکه سه، علی باقری فعال سیاسی، ضیاهاشمی سیاست‌مدار و استاد دانشگاه، محمدحسین فرحبخش تهیه‌کننده سینما، مریم نصراصفهانی پژوهشگر حوزه زنان، موفسس کشیشیان مدیرمسئول آراکس نیوز، ابوالقاسم خوشرو عباس، بابک شکوهی معمار، کمیل قیدارلو جامعه‌شناس، مجید سعیدی عکاس، مونا رحمانی کنشگر اجتماعی-مدنی، فرزین محدث بازیگر، جواد امام فعال سیاسی، جیدرعلی مسعودی استاد روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی، حسین شهرستانی جامعه‌شناس، محمدحسین یویانفر مداح، آرش رازانی خبرنگار، زهرا حیدری آموزگار، آرن خالقی دانش‌آموز، امیرعلی لطفعلی‌یا مفت‌سئاله از تهران، حشمت حکیم‌اللهی ایرانی ساکن نروژ، زهرا فراهانی بازیگر، پارسا مولودزاده دانش آموز، سجاد محمدیان موزیسین و روزنامه‌نگار، میلاد نوروزی مدیر چاپ و نشر نرور، رضا اسماعیلی شاعر، محمدمهدی عبداللهی شاعر، عدنان اسماعیلی بازرگان ایرانی ساکن امارات، فاطمه ترابی مترجم و آوازخوان، محسن صدق‌ف‌فعال رسانه‌ای، عبدالعلی رضایی جامعه‌شناس، نسیم نوروزی استاد دانشگاه در کانادا

- ویدئونکست گفت‌وگو با تحلیلگران متکثر در دفاع از هدف کمپین:

دهه‌ا گفت‌وگوی ویدئویی با محتوای تحلیلی و بسیج‌گر با چهره‌های متکثر هنری، روشنفکری و سیاسی در غالب برنامه به نام ایران توسط این کمپین ضبط شد که به‌تدریج در ایارات و یوتیوب منتشر می‌شود.

- پوست‌های حمایت از کمپین و تداوم کسب‌وکار:

که بسیاری از مغازه‌ران تهران نصب کردند و ویدئوهایی از بخشی از آن منتشر شد.

- کمپین «نامه‌ای برای شکستن سکوت»:

که در آن از چهره‌ها و نهادهای مرجع ایرانی دعوت شد به همتایان غیرایرانی‌شان نامه‌های روشنگر و تقاضا برای اعتراض به تجاوز و جنایات اسرائیل ارسال کنند. در اجابت این دعوت پاره‌ای از نهادها چنین کردند: از جمله نرگس آبیار خطاب به آکادمی اسکار، سرگه بارسقیان به اتحادیه روزنامه‌نگاران و تعدادی از معاونان وزیر به همتایانشان.

- طرح موسیقی در شهر:

که در آن اجزهای نوازندگان و گروه‌های حرفه‌ای در سطح شهر برای تقویت جریان زندگی و همبستگی در شهر تمهید می‌شد، از جمله اجرای علی قمصری در میدان آزادی، گروه موسیقی بوهری باسیدون در باغ فردوس، ارکستر سمفونیک تهران در میدان آزادی، گروه عاشیق احمد ملکی در میدان هفت تیر.

تولید محتوای متنی و تصویری برای تغذیه رسانه‌های داخلی و خارجی، تنظیم پیشنهاد‌های همبستگی‌ساز برای شرکت‌های بزرگ اقتصاد دیجیتال و نوآور (که توسط این شرکت‌ها اجرا شد) و کمک به تمهید تجمع‌های ایرانیان خارج از کشور علیه تجاوز به ایران نیز از جمله سایر فعالیت‌های این کمپین در این زمان کوتاه بود. فراخوان‌های بعدی میدانی و آنلاین این کمپین و توسعه قبیله‌ها و افزایش مخاطبانشان که در شرایط کاهش فیلترینگ ممکن می‌شد، بعد از آتش‌بس ضرورت اجرا نیافت.

چه باید کرد

۶- اکنون روز رحمت است، همه گروه‌هایی را که در این موقعیت دشوار برای حفظ وحدت ملی به میدان آمدند، در آغوش بگیریم و نگذاریم تئورها یا بهانه‌های مختلف دوباره تفرقه‌افکنی کنند.

۷- قشر عظیم متخصصان کنار گذاشته‌شده نباید بازنشسته را در سیاست‌گذاری‌های بخش‌های مختلف به کار گیریم. همچنین با سازمان‌دهی گروه‌های فوق که بر اثر به‌کارگرفتن‌های غیرکارشناسی به محاق فراموشی رفته‌اند، در بازسازی ویرانی‌های ناشی از خرابکاری مدیران رانتی و جنگ، به کار بگیریم. از خداوند متعال ایرانی آباد و سربلند را خواستارم.

زنده‌باد به این پختگی و خردردرونی شده مردم‌مان

این سؤال نیز مطرح است که آیا شهرداری و وزارت راه و شهرسازی هنگام صدور جواز ساخت به ضرورت‌داشتن پناهگاه یا حداقل‌های ایمنی در پارکینگ‌ها و تونل‌های مترو و فضاهای چندمنظوره برای مواقع بحران تاکید داشته‌اند یا خیر؟ آیا مساجد و مدارس و دانشگاه‌ها و دیگر مکان‌های عمومی ما آمادگی پناهدادن به مردم را دارند؟

بدیهی است که در زمان جنگ نقش دولت و حکمروایی خوب شهری در برقراری ارتباطات حسنه با مردم شهرها اهمیت ویژه پیدا می‌کند. و چه فرصت خوبی است اکنون، که در این دوران پرآشوب شورا‌های محلات شهرها و مردم توانای محلی که در چهار سال اخیر به حاشیه رانده شدند، دیگر بار به کمک طلیبه‌ها شوند!

جدال ایدئولوژیک در قلب آمریکا؛ هشدار درباره شهرداری زهران ممدانی

نیویورک خودزنی می‌کند؟



از ناظران را به‌شدت نگران کرده است؛ نه‌فقط به دلیل ایده‌های اقتصادی رادیکال، بلکه به دلیل رویکرد‌های تند سیاسی و مذهبی که می‌تواند آینده نیویورک را به سمت تنش‌های تازه سوق دهد و وضعیتی مشابه و حتی بدتر از لندن امروز برای نیویورک رقم بزند.

وعده‌های غیرواقعی؛ اقتصاد شهری در لبه پرتگاه

ممدانی با فهرستی بلندبالا از شعارهای پوپولیستی و گاه غیرعملی پا به میدان گذاشته است؛ از کنترل کامل دولت بر قیمت مواد غذایی تا افزایش حداقل دستمزد از ۱۶ به ۳۰ دلار و اختصاص ۷۰ میلیارد دلار به ساخت مسکن. او وعده داده است حمل‌ونقل شهری رایگان شود، برای کودکان شهروندان مراقبت و آموزش رایگان فراهم کند و با تأسیس فروشگاه‌های دولتی، کنترل کامل قیمت مواد غذایی را به دست گیرد. اما این وعده‌ها در کنار ظاهر جذاب خود، خطراتی جدی برای پویایی اقتصادی نیویورک به همراه دارند. اقتصاددانان و فعالان اقتصادی هشدار داده‌اند در صورت اجرای این سیاست‌ها، سرمایه‌گذاران و کسب‌وکارهای بزرگ به سرعت شهر را ترک خواهند کرد و اشتغال و رشد اقتصادی دچار رکود می‌شود.
مهربان تجاری بزرگ حتی تهدید به بستن یا انتقال فروشگاه‌های زنجیره‌ای خود کرده‌اند. کارشناسان نیز معتقدند چنین سیاست‌هایی نه‌تنها باعث کاهش درآمد شهر خواهد شد، بلکه می‌تواند بحران‌های اجتماعی جدیدی را رقم بزند.

خطر افزایش خشونت

آنچه وضعیت را از نظر اجتماعی و امنیتی نگران‌کننده‌تر می‌کند، تاکید آشکار ممدانی بر هویت مذهبی و سیاسی است. او با افتخار خود را «مسلمان سوسیالیست» معرفی می‌کند و حمایت بی‌قیدوشرط خود از جریان‌های افراطی را در مرکز پیام‌های کارزارش قرار داده است. استفاده پررنگ از زبان و نمادها در تبلیغات و مناسبت‌های خاص، نشانه‌ای روشن از سیاست‌ورزی هویتی است؛ پدیده‌ای که در کشوری با طرز تلخ ۱۱ سپتامبر و خشونت‌های دهه‌های اخیر در آمریکا و اروپا، می‌تواند بستر سوتفاهم، تحریک احساسات و در نهایت شعله‌ورشدن خشونت‌های نوظهور باشد. شعارها و مواضع ممدانی موجی از انتقادها را از سوی نهادهای حقوق‌بشری و حتی موزه هولوکاست آمریکا به دنبال داشته است. این رویکردها نه‌تنها زمینه‌ساز افزایش قطب‌بندی اجتماعی و سیاسی خواهد شد، بلکه می‌تواند امنیت شهروندان را به خطر اندازد.

چهره‌ای جوان با سابقه‌ای محدود

ممدانی فقط ۳۳ سال دارد و هفت سال پیش شهروند آمریکا شده است و بخش زیادی از شهرت خود را مدیون شبکه‌های اجتماعی و حمایت سلب‌ریتی‌هاست؛ حمایت‌هایی که گاه بیش از کارنامه اجرائی، به موج احساسات و هیجانات سیاسی سوار شده است. حضور فعال در اینستاگرام، تولید ویدئوهایی به زبان اردو و اسپانیایی و به‌کارگیری عناصر فرهنگی از بالیوود، او را به نماد نسلی معرفی کرده که خواهان دیده‌شدن است؛ اما واقعیت آن است که شهرداری شهری با این ابعاد، نیازمند مدیری کارآموزده و مسلط به پیچیدگی‌های اقتصادی و اجتماعی است.

بسیاری از رأی‌دهندگان جوان که فشار هزینه‌ها را در شهر احساس می‌کنند، پیام او را درباره مقرون‌به‌صرفه‌شدن زندگی تحسین می‌کنند. اما کارشناسان و حتی برخی از طرفداران حزب دموکرات

هشدار می‌دهند که نداشتن سابقه اجرایی و بی‌تجربگی در مدیریت بحران‌های بزرگ، نیویورک را به سمت ناامنی و هرج‌ومرج خواهد برد.

جدال ایدئولوژیک

پیروزی ممدانی شوک بزرگی به جریان میانه‌رو دموکرات وارد کرد و نتیجه‌ای بود که حتی رقیب قدرتمند او، اندرو کومو را غافلگیر کرد. کومو که سال‌ها در راس سیاست ایالت نیویورک قرار داشت و حتی حمایت چهره‌هایی همچون بیل کلینتون را در اختیار داشت، پس از شکست گفت: «امشب شب ما نبود، بسیاری این رخداد را نتیجه واکنش تند حزب دموکرات به شکست ملی در برابر ترامپ و تضعیف جریان اعتدالی می‌دانند. حالا نیویورک

در آستانه نبردی جدی‌تر قرار دارد. جریان چپ سوسیالیستی به رهبری ممدانی، در مقابل طیف معقول و میانه و حتی مستقل‌ها قرار گرفته است. منتقدان او، از جمله شهردار فعلی، اریک آدامز، ممدانی را «فروشنده روغن مار» می‌خوانند و هشدار می‌دهند که وعده‌های او نه‌تنها تحقق‌پذیر نیست، بلکه عملاً به فریب رأی‌دهندگان و فروپاشی اقتصاد شهر منجر می‌شود. حتی آدامز یادآور شده که بسیاری از سیاست‌های مالی وعده داده‌شده از سوی ممدانی، از جمله افزایش مالیات بر ثروتمندان، اصلاً در حیطه اختیارات شهردار نیست و بیشتر در سطح مجلس ایالتی مطرح می‌شود.

حمایت‌ها و مخالفت‌ها

کارزار ممدانی رن‌تنها حمایت چهره‌های افراطی چپ‌گرا، از جمله برنی سندرز و الکساندرا اوکازو-کورتز را به دنبال داشت، بلکه با موجی از حمایت هنرمندان، سلب‌ریتی‌ها و فعالان فضای مجازی تقویت شد. اما در مقابل، طیف گسترده‌ای از جامعه نیویورک، از جمله فعالان اقتصادی، برخی اقلیت‌ها و حتی بخش درخور توجهی از رأی‌دهندگان جوان و میانه‌رو، نسبت به پیامدهای سیاسی و اجتماعی این پیروزی هشدار می‌دهند. منتقدان یادآور می‌شوند که سابقه سیاسی ممدانی عمدتاً به نمایندگی منطقه کومینز در مجلس ایالتی محدود است و او سابقه‌ای در اداره شهر یا مدیریت بحران‌های چندوجهی ندارد. درحالی‌که نیویورک شهری با میلیون‌ها شهروند، تنوع فرهنگی و چالش‌های عمیق اقتصادی است، این سؤال به طور جدی مطرح شده که آیا این شهر آماده سپردن آینده خود به چهره‌ای با این میزان تدروی است؟ در نهایت، انتخابات پیش‌رو فقط یک انتخاب معمولی نیست؛ این رویداد به آزمونی برای ظرفیت‌های نیویورک در برابر پوپولیسم چپ‌گرا و سیاست هویتی تبدیل شده است؛ آزمونی که نتیجه آن می‌تواند تأثیری فراتر از مرزهای شهری و حتی آمریکا داشته باشد. اگر قرار باشد شعارهای تند، وعده‌های غیرعملی و بر عقلانیت و تجربه غلبه کند، نیویورک نه‌تنها آرامش و شکوفایی اقتصادی خود را از دست خواهد داد، بلکه ممکن است به الگویی برای تشدید تنش‌های اجتماعی و سیاسی در سایر نقاط آمریکا نیز بدل شود.

رقابتی سرنوشت‌ساز

انتخابات شهرداری نیویورک، یکی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی آمریکا در سال جاری به شمار می‌رود. این انتخابات قرار است در نوامبر امسال برگزار شود و نتیجه آن تأثیر چشمگیری بر آینده بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر آمریکا خواهد داشت. پس از پیروزی زهران ممدانی در رقابت درون‌حزبی دموکرات‌ها، او اکنون اصلی‌ترین نامزد این حزب به شمار می‌رود؛ اما راه دشواری در پیش دارد. در این دوره، اریک آدامز، شهردار فعلی نیویورک، با وجود دموکرات‌بودن، تصمیم گرفته به عنوان نامزد مستقل بار دیگر در انتخابات شرکت کند و انتقادات تندی را متوجه سیاست‌ها و وعده‌های ممدانی کرده است. اندرو کومو، فرماندار سابق نیویورک و نامزد شکست‌خورده رقابت درون‌حزبی نیز احتمال داده به عنوان مستقل وارد رقابت شود. در کنار آنها، حزب جمهوری‌خواه هرچند به دلیل فضای سیاسی نیویورک شانس کمتری دارد، اما با چهره‌هایی همچون کریس افسلیو وارد میدان شده است. با توجه به شرایط کنونی و فاصله معنادار میان رویکردها و شعارهای نامزد‌ها، پیش‌بینی می‌شود این انتخابات به یکی از داغ‌ترین و مناقشه‌برانگیزترین رقابت‌های سیاسی سال‌های اخیر نیویورک تبدیل شود؛ انتخاباتی که سرنوشت شهر را در آستانه دورانی تازه قرار می‌دهد.

توازن انرژی در سایه بحران خاورمیانه

بازگشت چین به پروژه خط لوله سبیری

است؛ کشوری که اکنون حدود یک‌پنجم نفت چین را تأمین می‌کند. روسیه، به‌ویژه پس از نیاز شدید به نقدینگی برای تأمین هزینه‌های جنگ در اوکراین، بیش از پیش به صادرات انرژی به چین وابسته شده است.

الکساندر گابویف، مدیر مرکز اوراسیا روسیه در اندیشکده کارنگی و کارشناس روابط چین و روسیه معتقد است: «بی‌ثباتی و غیرقابل پیش‌بینی‌بودن وضعیت نظامی، به رهبان چین نشان داده که تأمین پایدار انرژی از طریق خطوط لوله زمینی، مزیت ژئوپولیتیکی دارد. این وضعیتی است که روسیه می‌تواند از آن بهره‌مند شود».

رسانه‌های دولتی روسیه نیز تنش‌های خاورمیانه را به احیای پروژه «قدرت سبیری ۲» مرتبط دانسته‌اند. یکی از عناوین اخیر سایت خبری پرایم، وابسته به دولت روسیه، این بود: «آرماگدون ال‌ان‌جی: بازگشت اضطراری چین به پروژه قدرت سبیری ۲». پیش‌بینی می‌شود روسیه تلاش کند این پروژه را در دستور کار سفر ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، به چین و دیدار با شی چین‌پینگ در ماه سپتامبر قرار دهد. «قدرت سبیری ۲» دنباله خط لوله نخست است که در سال ۲۰۱۹ افتتاح شد و همواره برای روسیه حیاتی‌تر از چین بوده است. با توقف بخش عمده صادرات گاز روسیه به اروپا پس از حمله این کشور به اوکراین، مسکو بازار اصلی خود را از دست داد و بیش از پیش به چین نیازمند شد. اما زیرساخت محدود خطوط لوله و ظرفیت اندک ال‌ان‌جی روسیه سبب شده افزایش واقعی صادرات فقط با احداث خط لوله‌ای جدید امکان‌پذیر باشد.

در مقابل، چین تا پیش از این به دلیل واردات گاز از خاورمیانه و دیگر مناطق، ضرورتی فوری برای این پروژه احساس نمی‌کرد. طبق گفته منابع نزدیک به محافل تصمیم‌گیری پکن، مقامات چینی واردات نفت و گاز از یک کشور خاص را به سقف ۲۰ درصد محدود کرده‌اند. همین موضوع باعث شده مذاکرات میان دو کشور سال‌ها به طول بینجامد؛ حتی با وجود اینکه روسیه بارها از قریب‌الوقوع‌بودن توافق خبر داده است. بااین‌حال، اوضاع ممکن است اکنون تغییر کند.

تنگه هرمز؛ شاهراهی حساس و آسیب‌پذیر

تنگه هرمز که میان عمان و ایران قرار دارد و خلیج

گزارش

زنسکی: چینی‌ها در تأمین تسلیحات روسیه نقش دارند

ولودیمیر زنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، در نشست سران ناتو در لاهه اعلام کرد که شرکت‌های چینی در شبکه‌ای جهانی از تأمین‌کنندگانی حضور دارند که به تداوم ماشین جنگی روسیه کمک می‌کنند. او از کشورهای عضو ناتو خواست هرگونه همکاری با نهادهایی را که به روسیه یاری می‌رسانند، متوقف کند.

زنسکی گفت: «اطمینان حاصل کنید که کشورها و شرکت‌هایتان به‌هیچ‌وجه به روسیه یا متحدانش کمک نمی‌کنند. این واقعاً حیاتی است». او تأکید کرد: «هیچ سلاح مهمی در روسیه امروز تولید نمی‌شود مگر با قطعات، تجهیزات یا مواد اولیه‌ای که از کشورهای دیگر تأمین شده باشد».

زنسکی در این سخنرانی که در «فرم صنایع دفاعی» اجلاس ناتو ایراد شد، خواستار افزایش سرمایه‌گذاری کشورهای غربی در بخش دفاعی اوکراین، از جمله تولید مشترک تسلیحات شد؛ چراکه جنگ علیه روسیه وارد چهارمین سال خود شده است. او با اشاره به اینکه روسیه توانسته جنگ را با کمک «شبکه‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی» ادامه دهد، گفت: «این شبکه شامل روسیه، کره شمالی، شرکت‌های چینی و ده‌ها سازوکار دیگر در سراسر جهان است که به تولید تسلیحات و اجرای عملیات علیه کشور ما و مردم ما و اروپا کمک می‌کنند». زنسکی از اعضای ناتو خواست برای «قطع هر حلقه‌ای که روسیه را به همدستانش وصل می‌کند»، به صورت هماهنگ عمل کنند.

ولودیمیر زنسکی با هشدار نسبت به نقش تأمین‌کنندگان خارجی در ادامه جنگ، اعلام کرد در هر موشک روسی، نظامی این کشور، قطعات خارجی به کار رفته است.



او در نشست ناتو در لاهه گفت: «مسئله فقط چین نیست؛ تایوان، برخی کشورهای اروپایی و ایالات متحده نیز در این فهرست قرار دارند. هر قطعه‌ی یا ابزار صنعتی که به بخش دفاعی روسیه تحویل داده می‌شود، به ادامه جنگ کمک می‌کند و جنایتی است علیه صلح».

این نخستین بار نیست که اوکراین، چین را به حمایت از ماشین جنگی روسیه متهم می‌کند. در ماه می، اولیه ابواشچنکو، رئیس اطلاعات نظامی اوکراین، اعلام کرد نهاد متبوعش داده‌هایی تأییدشده در اختیار دارد که نشان می‌دهد رژیم چین ماشین‌آلات صنعتی، مواد شیمیایی ویژه، باروت و قطعات مختلف را به ۲۰ کارخانه تسلیحاتی روسیه ارسال کرده است. به گفته ابواشچنکو، تا اوایل سال ۲۰۲۵ حدود ۸۰ درصد از قطعات الکترونیکی حیاتی که در پهبادهای روسی یافت می‌شوند، منشأ چینی داشته‌اند. از زمان آغاز جنگ تمام‌عیار میان روسیه و اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، دولت‌های غربی تحریم‌های گسترده‌ای برای محدودکردن دسترسی روسیه به قطعات حیاتی در ساخت تسلیحات، از جمله موشک‌های کروز و پهپادها اعمال کرده‌اند. روسیه توانسته بخشی از این محدودیت‌ها را دور بزند و با استفاده از شبکه‌های پیچیده بازار سیاه، به تجهیزات مورد نیاز خود دست یابد.

هرچند چین ارائه کمک نظامی مستقیم به روسیه را رد می‌کند، اما شواهد نشان می‌دهد پالایشگاه‌های چینی از تحریم‌های غربی بهره برده‌اند تا نفت روسیه را با تخفیفی درخور توجه خریداری کنند. براساس تحلیل وزارت انرژی ایالات متحده، واردات نفت چین از روسیه برای سومین سال پیاپی در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته و به بیش از ۲.۲ میلیون بشکه رسیده است که نزدیک به یک‌پنجم از کل واردات نفت چین را تشکیل می‌دهد.